

انجیل دیگری نیست درس ۱۱: گام برداشتن با روح درک توماس

درس ۱۱ و ما در باب ۵، در بخشی هستیم که از آیه‌ی ۱۶ شروع می‌شود تا آخر باب. «اما می‌گویم به روح رفتار کنید پس شهوات جسم را به‌جا نخواهید آورد.» ما اینجا در قلمرو متفاوتی هستیم. انگار از جنگل خارج شدیم و یک‌دفعه در محیط متفاوتی هستیم.

در یه وادی هستیم و درختان میوه و رودخونه هست و پرندگان در هوا هستند و حالا پولس درباره‌ی چیز نسبتاً متفاوتی صحبت می‌کند و می‌خواد درباره‌ی شکل و ماهیت زندگی مسیحی صحبت کند. مشکلات غلطیان با عادل‌شمردگی رو کنار گذاشته و حالا می‌خواد درباره‌ی شکل و طرح قدوسیت صحبت کند.

روبرت موری مک‌چین، این کلام معروف رو گفت که بزرگ‌ترین نیاز کلیسا «قدوسیت شخصی منه». نه قدوسیت شخصی کسی دیگه، بلکه قدوسیت من؛ من باید برای مسیح زندگی کنم. اما این چه شکلیه؟ دوباره روح‌القدس رو معرفی می‌کنه، نقش روح‌القدس. روح‌القدس نقش‌های زیادی رو اجرا می‌کنه.

به‌عنوان مثال، او الهام‌بخش نویسندگان کتاب مقدسه. احیا می‌کنه و تولد تازه می‌ده و حیات می‌بخشه؛ و به همین دلیل «روح‌القدس» نامیده شده. عیسای پسر، قدوسه؛ خدای پدر، قدوسه؛ اما شخص سوم تثلیث، «روح‌القدس» نامیده شده، چون اساساً به قدوسیت می‌پردازه. پس قدوسیت چه شکلیه؟ دوباره، جوابش در یه کلمه، عیاست. قدوسیت شبیه عیاست. قدوسیت، تکثیر شخصیت عیسی در ماست تا ما تصویر عیسی رو منعکس کنیم.

متوجه شدید که با فعل «راه رفتن [رفتار کردن]» شروع می‌شود و در بعضی ترجمه‌ها در آیه‌ی ۲۵ هم با فعل «راه رفتن [رفتار کردن]» تموم می‌شود، اما این فعل متفاوتیه. ترجمه‌ی ای‌اس‌وی، به‌درستی به‌جای یه «کلمه» از یه «واژه» استفاده کرده. «اما می‌گویم به روح رفتار کنید.» فعل «رفتار کنید» در آیه‌ی ۱۶، فعل «حرکت کردن»، نشون‌دهنده‌ی اینه که شخص زنده‌أس. آیه‌ی ۲۵، این فعل مفهوم خیلی مشخصی داره و این فعل به‌کار می‌ره تا سربازهایی رو نشون بده که در هنگام رژه‌ی نظامی با هم همگام می‌شن؛ ما گروه سربازها، مردانی رو که رژه می‌زن دیدیم؛ و شاید یکی از اون‌ها ناهماهنگ قدم برداره. پولس می‌گه، «به روح رفتار کنید.»

ما می‌بینیم که قدوسیت؛ هماهنگی با آرزوها و خواسته‌ها و اهداف روح‌القدسه. پس بیایید به‌طور مختصر به کلام پولس درباره‌ی قدوسیت و شکل قدوسیت بپردازیم؛ می‌خوام مطالب متعددی رو بگم. اولاً، ریشه‌ی قدوسیت که روح بر اون تأثیر

می‌ذاره، دوگانه‌آس. یکی، در آیه‌ی ۲۴، اتحاد ما با مسیح، کسانی که به مسیح عیسی تعلق دارند. این ریشه‌ی قدوسیت. ما به عیسی تعلق داریم. از آن او هستیم. وارد اتحاد و مشارکت با او شدیم. «مسیح، قدوسیت ماست»، پولس در اول قرنتیان باب ۱، آیه‌ی ۳۰ می‌گه، «از جانب خدا برای شما حکمت شده است و عدالت قدوسیت و فدا». این در رابطه‌ی ما با عیساست. نه فقط اتحاد ما با مسیح؛ و می‌خوام بگم در مصلوب شدن ما با مسیح.

ما مثل مسیح مصلوب شدیم. من دیگه آدم قبلی نیستم. من زندگی می‌کنم، اما نه من، بلکه مسیح در من زندگی می‌کنه. انسان قبلی مُرد. رفت. شاید من همیشه اینو به یاد نیارم. شاید گاهی اوقات طوری رفتار کنم که انگار آدم قبلی زنده‌آس، اما در واقع، آدم قبلی رفته.

یه داستانی هست که نمی‌دونم حقیقت داره یا نه، گاهی در موردش مناظره می‌کنند؛ اما لوتر در مطالعاتش یه احساس چشمگیری از حضور ابلیس رو داشت و صدای ابلیس رو می‌شنید که به در می‌کوبید و جوهردون رو به در می‌کوبید و می‌گفت، «مارتین لوتر هست؟» و لوتر می‌گفت، «مارتین لوتر دیگه وجود نداره. من حالا در مسیح هستم.»

و به‌نوعی، قدوسیت از اینجا شروع می‌شه. اینکه تشخیص بدیم کی هستیم. هویتمون رو تشخیص بدیم. همون طور که پولس در باب ۲ آیه‌ی ۲۰ گفت، «با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند. و زندگانی که الحال در جسم می‌کنم، به ایمان بر پسر خدا می‌کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد.»

در آیه‌ی ۲۴ از آیاتی که بهش می‌پردازیم؛ باب ۵، آیه‌ی ۲۴: «آنانی که از آن مسیح می‌باشند، جسم را با هوس‌ها و شهواتش مصلوب ساخته‌اند.» حالا نمی‌گه کسانی که از آن مسیح هستند، باید جسم رو مصلوب کنند. این درسته، اما پولس اینو نمی‌گه. پولس اینجا از یه فعلِ ماضی استفاده می‌کنه. «آنانی که از آن مسیح می‌باشند، جسم را با هوس‌ها و شهواتش مصلوب ساخته‌اند.» ما قبلاً مُردیم. انسان قدیمی رفته. من خلقت تازه‌ام. چیزهای کهنه درگذشت و ببین، همه چیز تازه گشته.

این چیزیه که پولس در باب ششم از رومیان توضیح می‌ده که ما با مسیح دفن شدیم و با مسیح قیام کردیم؛ و در تفصیل این موضوع در ۱۴ آیه‌ی اول باب ۶ می‌گه، ما کسانی هستیم که مُردیم، دفن شدیم و در زندگی تازه در اتحاد و مشارکت با مسیح قیام کردیم.

این ریشه‌ی قدوسیت ماست، ما دیگه آدم قبلی نیستیم. به‌نوعی، ما به‌طور قطع، به‌طور متحد تقدیس شدیم. جدا شدیم. پس پولس می‌تونه به قرنتیان بنویسه، او در آیات آغازین اول قرنتیان می‌گه، ما مقدسین خونده شدیم. شما نباید صد و پنجاه سال از برزخ عبور کنید تا پاپ شما رو قدیس اعلام کنه.

معجزات باید در بیش از یه مکان به نام شما اثبات بشه و بعد قدیس نامیده بشید. همه‌ی ما مقدسینیم. هر مسیحی، یه قدیسه. ما مقدسیم. قدیس و قدوسیت و مقدس و غیره، همگی بخشی از اینه؛ و تقدیس؛ همگی بخشی از یه کلمه در یونانیه. ما

قدیسانیم. جداشدگانیم. در مسیح عیسی به‌طور قطع تقدیس شدیم. دیگه آدم قبلی نیستیم. با مسیح مُردیم. با مسیح قیام کردیم، این ریشه‌ی قدوسیت ماست.

خُب، دوماً، نماینده‌ی قدوسیت، روح‌القدس. به‌نوعی، ما بدون عمل روح کاری نمی‌تونیم بکنیم. چیزی که آگوستین اسمش رو فیض پیشین گذاشت. بله، ما کار می‌کنیم. «نجات خود را به ترس و لرز بعمل آورید. زیرا خداست که در شما برحسب رضامندی خود، هم اراده و هم فعل را به‌عمل ایجاد می‌کند.» نماینده‌ی قدوسیت، روح‌القدس. باید به او فکر کنیم، شخص سوم تثلیث.

او درباره‌ی پوشیدن و درآوردن صحبت می‌کنه. پولس رسول از این کلمات استفاده می‌کنه، این‌طور نیست؟ مثل ردا، در غلاطیان ۳، در بیار، بپوش. به‌نوعی، نشونه‌های قدوسیت، اعمال ماست و باید گاهی اوقات اینو به‌عنوان ایجاد عادت‌ها، واکنش خاص به شرایط خاص و ایجاد عادت بدونیم و این شکل قدوسیت می‌شه. اما نماینده، نماینده، روح‌القدس. اینجا دو تا چیز هست که می‌خوام به‌نوعی بر اون تأکید کنم.

اولی اینکه ما مسئولیم که کارهای خاصی رو انجام بدیم. صددرصد باید تلاش کنیم. اما درعین حال، این عادات مقدس، واکنش‌های مقدس، کُشتن گناه، به بار آوردن میوه‌ی روح که تا لحظات دیگه خواهیم دید؛ به‌نوعی نمی‌تونیم این کارها رو بدون روح‌القدس انجام بدیم. به این کلمات توجه کنید. «زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم و این دو با یکدیگر منازعه می‌کنند بطوری که آنچه می‌خواهید نمی‌کنید.

اما اگر از روح هدایت شُدید»، اگه از روح هدایت شُدید، زیر شریعت نیستید. از این لحاظ زیر شریعت نیستید که سعی نمی‌کنید از شریعت اطاعت کنید تا عادل شمرده بشید. اما اینجا به تعادل بین تلاش انسانی و واکنش انسانی و هدایت روح توجه کنید.

اینجا پولس به رهبری روح به‌لحاظ هدایت فکر نمی‌کنه. می‌دونید، باید با این شخص یا اون شخص ازدواج کنم؟

باید اینجا یا اونجا یه شغلی پیدا کنم؟ باید در این خونه یا اون خونه زندگی کنم؟ پولس درباره‌ی این صحبت نمی‌کنه. اینجا هدایت روح، هدایت روح به سوی قدوسیت، هدایت روح به سوی زندگی مسیح‌گونه‌آس. هر فضیلتی که داریم و هر پیروزی که به‌دست میاریم و هر تفکری از قدوسیت، متعلق به اوست، یعنی فقط متعلق به روحه. نماینده‌ی قدوسیت، روح‌القدس.

حالا، سوماً، تجربه‌ی قدوسیت، مشاجره ایجاد می‌کنه و اینو در آیه‌ی ۱۷ می‌بینید، «زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم و این دو با یکدیگر منازعه می‌کنند.» به‌نظم این چیزیه که پولس در رومیان ۷ در موردش صحبت می‌کنه، «زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه بدی را که نمی‌خواهم می‌کنم... وای بر من که مرد شقی‌ای هستم! کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟»

به‌نوعی، هر مسیحی در منازعه‌آس. ما می‌خواهیم خدا رو خدمت کنیم، اما شریعت رو در جسممون می‌بینیم که ما رو در مسیر مخالف هدایت می‌کنه. آن نیکویی را که می‌خواهیم، نمی‌کنم. بلکه بدی را که نمی‌خواهیم، می‌کنم. دائماً خودمون رو در منازعه می‌بینیم، ترفندهای ابلیس، صدای شیطان سعی می‌کنه ما رو زمین بزنه، این حقیقت وجود داره که چشمون رو از عیسی برمی‌داریم، هوس‌های جسم و غیره.

زندگی مسیحی، آرام نیست. یه کتاب چند جلدی در آغاز قرن بیستم منتشر شد، سخنان خاموش درباره‌ی این، اون و چیزهای دیگه؛ و نویسنده، مرد خوب و واعظ خوب و نویسنده‌ی بزرگی بود و این چیزها. اما این دیدگاه رو داشت که دیدگاه کزویک بود، دیدگاهی که وسلی در موردش صحبت کرد، اینکه شما به مرحله‌ای از تقدیس می‌رسید که منازعه تموم می‌شه و جانتون آرام و راحت می‌شه و جنگ تموم می‌شه؛ به سطحی می‌رسید که همه چیز آرام و ساکت می‌شه.

خُب، این تجربه‌ی پولس نبود. پولس همیشه منازعه داشت. پولس همیشه در انسان درونی‌اش تحت فشار بود. همیشه فشار، تَنَش با دنیا و جسم و ابلیس رو داشت. توجه کنید که چطوری اینو در آیه‌ی ۱۷ مطرح می‌کنه، چیزهایی که می‌خواهید بکنید، «مانع از این می‌شه که کارهایی رو که می‌خواید انجام بدید.» مشتاقید که از عیسی پیروی کنید، اما یه چیزی مانع از این اشتیاق می‌شه. یه چیزی با این اشتیاق می‌جنگه و این شما هستید؛ قلب شما و روح شماست؛ و ابلیس و دنیا و چیزهای متعدده.

اینجا واقع‌گرایی کتاب مقدسی مانع از این می‌شه که کمی دیوونه بشیم؛ اگه در کشمکش هستید، اگه منازعه دارید، اگه می‌جنگید؛ و فکر کردید این گناه رو پشت سر گذاشتید، فکر کردید این چیزیه که مدت‌ها پیش باهاش برخورد کردید، اما دوباره برگشته. در بازه و این وارد می‌شه و دوباره در زندگی شماست؛ به خودتون می‌گید، «چطور ممکنه! چطور ممکنه که دوباره به اینجا برگردم؟» پولس می‌گه، «خُب، این ماهیت زندگی مسیحیه. فقط در جلال به کمال خواهیم رسید. فقط در جلال، هیچ نبردی نخواهد بود و شهوات درونی، ما رو زمین نمی‌زنه، دیگه صدای شیطان نخواهد بود که بهش گوش کنیم.» پولس از کلمات مختلف استفاده می‌کنه. به‌عنوان مثال، در رومیان ۸، درباره‌ی ریاضت صحبت می‌کنه، گناه رو بکشید، گناه رو به قتل برسونید. جان اُون می‌گه، «هر روز یه گناه یا بخشی از یه گناه رو بکشید.» این به‌نوعی یه منازعه‌آس. به‌نوعی، یه نبرده.

گاهی احساس می‌کنیم که انگار در منطقه‌ی جنگی هستیم. گاهی اوقات، این روزها و فصل‌ها رو داریم. پولس در افسسیان ۶ درباره‌ی روز شریر صحبت می‌کنه. به‌نظم منظورش اینه که بعضی روزها ظاهراً شیطان به‌طور خاص مشغوله. اکثر اوقات، شیطان نیست؛ یکی از کارآموزاشه، یکی از زیردست‌هاشه. شما اون قدر برای شیطان مهم نیستید که بهتون توجه کنه، بلکه می‌تونه یکی از کارآموزاش رو بفرسته و زندگیتون رو آشفته کنه. پس تجربه‌ی قدوسیت، تجربه‌ی منازعه‌آس. ما در منطقه‌ی

جنگی هستیم و برای همین باید اسلحه‌ی کامل خدا رو بپوشیم، چنانکه پولس در افسسیان ۶ می‌گه نسبت به این هشیار باشید.

چهارم، جزئیات قدوسیت، جزئیات قدوسیت. فهرست اعمال پلید هست و فهرست فیض. «و اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور.» این جالب نیست؟ این تنها جایی نیست که فهرست گناهان رو داریم؛ اما جالب نیست که در رأس فهرست، گناهان جنسیه. می‌دونید، ما به خودمون در ۲۰۱۹ فکر می‌کنیم. ظاهراً فکر می‌کنیم هرگز در چنین جایی نبودیم، بالیدن به گناه جنسی؛ و نمی‌تونید آرزو خلاص بشید. در آگهی‌ها، فیلم‌ها، بارها، رستوران‌ها، مردم به خودشون می‌بالند. پولس می‌گه، «در قرن یکم هم همین‌طور بود.»

در قرن یکم در روم، همین چیزهایی بود که ما امروز باهاش برخورد می‌کنیم. اون‌ها وجود داشتند. در امپراطوری روم و شهرهایی که غلاطیه رو تشکیل می‌داد، رایج بود. «به نظرم، جالبه که این چیزها، اولین چیزهایی هستند که پولس ذکر می‌کنه. «بت‌پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعت‌ها، و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال این‌ها.» پولس می‌گه، «می‌تونم ادامه بدم.» گناهان، اسم دارند و گناهان، هویت دارند و گناهان، مشخصات دارند و باید اینو به یاد بیاریم. کافی نیست که فقط به‌طور کلی بگیم «گناهان مرا ببخش». نه. گناهان، اسم دارند و باید نام ببرید و به‌طور خاص اون‌ها رو بگید، چون اون‌ها دوستان شما نیستند، باهاشون مثل دوست و حیوانات خونگی رفتار نکنید.

این‌ها وحشی‌ان، حیوانات وحشی و درنده‌ان که می‌خوان ما رو زمین بزنند. جالبه که اول درباره‌ی گناه می‌گه، اول فهرست گناهانه. اول به چیزهای منفی رسیدگی می‌کنه. چیزهایی که باید نابود بشه. چیزهایی که باید بمیره. چیزهایی که باید بهشون رحم نکنیم. جان اون می‌گه، «باید دستتون رو روی گلولی گناه بذارید و فشار بدید و ول نکنید تا نفسش قطع بشه و بعد کمی بیشتر نگاهش دارید.» این یکی از تصاویر جان اون در کتاب معروفش درباره‌ی ریاضت گناه هست.

ما می‌خوایم عجله کنیم، مگه نه؟ می‌خوایم میوه‌ی روح رو ببینیم، اما پولس می‌گه، «نه، باید گناهان رو شناسایی کنید و باید گناهان رو به‌طور مشخص شناسایی کنید.» اما بعد: «لیکن ثمره‌ی روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است، که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست. و آنانی که از آن مسیح می‌باشند، جسم را با هوس‌ها و شهواتش مصلوب ساخته‌اند. اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار نکنیم. لافزن مشویم تا یکدیگر را به خشم آوریم و بر یکدیگر حسد بریم.»

به‌نوعی پولس، به قول جنوبی‌ها، «مداخله» می‌کنه. کمی وارد قلبمون شده و ما رو مجبور می‌کنه که فکر کنیم، «معیار سنجش قدوسیت من چیه؟» قدوسیت هم اسم داره، مثل محبت، خوشی، آرامش، صبر، مهربانی و نیکویی و وفاداری؛ و اسم این‌ها میوه‌اس. او ما رو به درخت تشبیه می‌کنه که میوه میاره، میوه‌ی زیبا، هلو و پرتغال و سیب و گلابی و آلو؛ فقط این‌ها به شما

می‌گن عیسی چه شکلیه. قدوسیت چه شکلیه؟ این شبیه شدن به عیساست، نشون دادن زیبایی او. حُب، درباره‌ی حسد نورزیدن و تحریک نکردن و لافزن نشدن صحبت کرده؛ و می‌خواد در باب بعدی، باب ۶، اینو بیشتر توضیح بده، اونجا به اصول زندگی کلیسایی می‌پردازه، اما این در درس بعدیه.